

دوفصلنامه «مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی»

سال چهارم، شماره هفتم/ بهار و تابستان ۱۳۹۸؛ ۱۳۰-۱۰۱

بررسی تطبیقی اشتغال زنان بر مبنای آیات قرآن با تأکید بر آرای آیه‌الله جوادی آملی و سید قطب

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۲۴)

سیده فاطمه حسینی میر صفی^۱

زهره دینانی دردشتی^۲

چکیده

یکی از مسائل جدید در جامعه اسلامی، فعالیت اقتصادی و اشتغال زنان در مناصب گوناگون است و در حالی که می‌تواند مفید و اثر بخش باشد، مورد اختلاف عالمان دینی و مفسران است. این پژوهش با روش تحلیلی- تطبیقی، ضمن گزارش آرای مفسران، به ویژه سید قطب در تفسیر «فی ظلال القرآن» و آیه‌الله جوادی آملی در «تفسیر تسنیم»، به مقایسه نظرات آن‌ها، پرداخته است. نتایج بحث نشانگر آن است که؛ هر دو دیدگاه، اعطاء حقوق مالی و استقلال زن بر مدیریت اموال خویش را از آموزه‌های قرآن می‌دانند، ولی سید قطب با توجه به آیات (الاحزاب/۳۳) و (النساء/۳۴) معتقد است که: زنان باید در خانه‌های خود قرار بگیرند و نباید نقش اصلی خود را در خانه، کم رنگ کنند و هرگونه فعالیت اقتصادی در محیط خانه و بیرون از آن که موجب تضییع حقوق شوهر شود، جایز نمی‌باشد و با اشتغال آنان به علت داشتن حق نفقه و مسوولیت همسری و مادری، به جز در موارد ضروری همچون ناتوانی یا بیکاری همسر و لزوم امرار معاش، موافق نیست؛ در حالی که اغلب مفسران شیعی به ویژه آیه‌الله جوادی آملی، اشتغال زنان را در صورت عدم تداخل با مسوولیت همسری و مادری و با رعایت ضوابط شرعی، بلامانع دانسته ولی در انجام امور پزشکی، آموزش و خدمات بانوان، برای پیشگیری از مراجعه زنان به نامحرم، ضروری می‌داند.

واژگان کلیدی: فعالیت اقتصادی زنان، اشتغال، تفسیر فی ظلال القرآن، تفسیر تسنیم.

^۱ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، (نویسنده مسوول) mirsafi@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی. Zahradayani1531@gmail.com

بیان مسأله

فعالیت اقتصادی، کار و تلاش، همواره قرین زندگی زنان بوده است. زنان در طول تاریخ، علاوه بر انجام کارهای خانه، همگام با مردان به فعالیت‌هایی مثل کشاورزی و دام‌داری اشتغال داشته و از این طریق، بخشی از هزینه خانواده را بر دوش کشیده و به اقتصاد خانواده کمک کرده‌اند. اما در زمان‌های گذشته، فعالیت‌های یاد شده نظیر سایر کارهایی که زنان در خانه انجام می‌دادند، کار خانه به شمار می‌رفته و در مقابل آن مزدی به زن پرداخت نمی‌شده است. با حرکت جوامع به سوی دستاوردهای تمدن جدید و تبدیل کارگاه‌های خانگی و کوچک به کارخانه و جای‌گزینی ماشین به جای نیروی انسانی، اشتغال زنان به فعالیت‌های اقتصادی بیرون از خانه، طی چند دهه اخیر، اهمیت ویژه‌ای یافته است؛ به گونه‌ای که در حال حاضر اشتغال زنان در بیرون خانه، یکی از مسائل مهم و چالش برانگیز در جامعه امروز ماست. سؤال اصلی این است که؛ «آیا از نظر اسلام زنان می‌توانند همانند مردان در عرصه اجتماعی، به فعالیت اقتصادی و اشتغال بپردازند؟» یا «تلاش و کار، تولید و تجارت، بازرگانی و ارائه خدمات عمومی، ویژه مردان است؟» با نظر به اهمیت موضوع و شبهات و اشکالاتی که در زمینه‌ی کار زنان در مراکز عمومی ایجاد شده، آراء و دیدگاه‌های مختلفی را پدید آورده است، بدین صورت، پژوهش حاضر با رویکردی نو و با نگاه تطبیقی با بهره‌گیری از تفاسیر معاصر فریقین، سید قطب در «تفسیر فی ظلال القرآن» و آیه‌الله جوادی آملی در «تفسیر تسنیم»، مسأله‌ی مورد نظر را بررسی کرده و ذیل آیات مورد بحث، به بیان اشتراکات و افتراقات دیدگاه آنان در زمینه اشتغال زنان می‌پردازد.

انتخاب این دو مفسر برای بررسی، به این جهت است که تفاسیر ایشان صبغه‌ی تربیتی، اجتماعی و هدایتی دارد و در زمره‌ی تفاسیرهای اصلاحی است که به مسائل زمان و پرسش‌های برون دینی درباره اسلام و قرآن و از جمله به نظام‌مندی معارف و آموزه‌های قرآنی با فطرت و طبیعت انسانی و به برنامه زندگی مسلمانان توجه داشته و شبهاتی که در قرن بیستم در اثر برخورد فرهنگ غرب با جوامع اسلامی در میان روشنفکران مسلمان بوجود آمده است را پاسخ داده است. مفسر تفسیر تسنیم، یکی از شاگردان علامه طباطبایی در عصر حاضر است که روش تفسیری‌اش با روش

بررسی تطبیقی اشتغال زنان بر مبنای آیات قرآن ... / ۳

تفسیری علامه در المیزان که خود یکی از مهمترین تفاسیر قرون اخیر در بین مسلمانان و بزرگترین و جامع ترین تفسیر شیعی از نظر قوت علمی و مطلوبیت روش تفسیری بعد از تبیان شیخ طوسی و مجمع البیان طبرسی است، یکسان می باشد. همچنین هر دو مفسر آزاد اندیش و دارای بینش سیاسی هستند و تعهد دفاع از اسلام در برابر تهاجم بیگانگان را دارند و از اختلاف بین مسلمانان کاسته و به وحدت آنان کمک می نمایند.

پیشینه پژوهشی

در مورد پیشینه‌ی مقاله‌ی حاضر می توان به کتاب‌ها و مقالات زیر اشاره کرد: ۱- امین کشوری (۱۳۹۴ش) کتاب «حضور اجتماعی و نقش‌های زنانه» که به کار زنان از ابتدای تاریخ، فمینیسم و نقش زنان در غرب، پیامدهای کارکردن زنان در بیرون خانه و خانه‌داری و در فصلی به معرفی بانوان نمونه در قرآن پرداخته است. در این کتاب بصورت توصیفی به اشتغال زنان پرداخته شده است؛ ۲- احمد طاهری نیا (۱۳۸۹ش) در کتاب «حضور زن در عرصه‌های اجتماعی اقتصادی از نگاه آیات و روایات» به آیاتی و روایاتی که به نوعی به اشتغال زنان اشاره شده، می پردازد؛ ۳- محمد هادی مفتّح و سحر یوسفی (۱۳۹۴ش) در مقاله «فعالیت اجتماعی زنان در آرای فریقین با استناد به آیات (احزاب/۳۳ و نساء/۳۴)» با توجه به مفاد این آیات، حضور زن در جامعه را بررسی کرده و نظرات علمای فریقین را بیان می کند؛ ۴- پریوش زارع (۱۳۹۴ش) به اشتغال زنان از دیدگاه اسلام در شورای سیاست گذاری حوزه‌های علمیه خواهران پرداخته است و ۵- کربلایی نظر (۱۳۹۲ش) در کتاب «بیانات حضرت امام خامنه‌ای» سخنان مقام معظم رهبری در برهه‌های زمانی را جمع آوری نموده است. از میان این کتب و مقالات، مقاله فعالیت اجتماعی زنان در آرای فریقین با استناد به آیات احزاب/۳۳ و نساء/۳۴ به مقاله حاضر نزدیک تر است با این تفاوت که مقاله‌ی مزبور آراء همه‌ی مفسران امامیه و اهل سنت را بدون هیچ گونه تحلیلی بیان کرده است و حال آن که مقاله حاضر، نظر دو مفسر معاصر فریقین که تفاسیرشان گرایش اجتماعی دارد و در قرن حاضر پاسخگوی شبهات وارده به آموزه‌های اسلام می باشند را بررسی

بررسی تطبیقی اشتغال زنان بر مبنای آیات قرآن ... / ۴

و تحلیل کرده و با نگاه تطبیقی به حضور اقتصادی و اشتغال زنان و تبیین اشتراکات و افتراقات دیدگاه آن دو پرداخته است. همچنین این مقاله با توجه به فواید روش تطبیقی، سعی دارد یک نظر را بر نظر دیگر ترجیح داده و دیدگاه صحیح را با ادله متقن برگزیند. یکی دیگر از تفاوت‌های این مقاله با سایر مقالات تطبیقی، عبور از تشابه و تفاوت ظاهری نظرات دو مفسر و رسیدن به مواضع خلاف واقعه و ریشه‌ای آنها است.

۱. شناخت مفاهیم بنیادین

از آنجا که نتایج تفسیری سید قطب و آیه‌الله جوادی آملی در مواردی تفاوت‌هایی دارد، برای فهم بیشتر، ضروری است که پیشینه و مبانی معرفتی و کلامی این دو مفسر به‌طور اجمال بیان شود تا علت برخی از اختلافات آن دو مشخص گردد.

۱,۱ معرفی تفسیر تسنیم و آشنایی با مفسر آن

آیه‌الله جوادی آملی از دانشمندان برجسته معاصر و از مفسران ژرف اندیش قرآن کریم است. ژرفایی اندیشه، مکارم اخلاق، صلابت و اتقان رفتاری او نیز آسوه سالکان کوی علم و عمل است. انس طولانی او با قرآن کریم در تعلیم‌ها و رهنمودهای انسان ساز و فرهنگ گسترش آشکار است. از دیدگاه مفسر تسنیم، منابع تفسیر قرآن عبارت‌اند از: «قرآن، سنت و عقل» و چون «منهج و روش تفسیری» هر مفسر، پیوند تنگاتنگی با «منابع تفسیر قرآن» دارد، به اجمال می‌توان منهج تفسیری تسنیم را «منهج اجتهادی جامع» و در بردارنده «تفسیر قرآن به قرآن»، «تفسیر قرآن به سنت» و «تفسیر قرآن به عقل» نامید. از بین آثار بی‌شمار ایشان دو عنوان کتاب در رابطه با زن، به نام‌های: «زن در اسلام» و «زن در آینه جمال و جلال» را می‌توان نام برد.

۲,۱ معرفی تفسیر فی ظلال القرآن و آشنایی با مفسر آن

بررسی تطبیقی اشتغال زنان بر مبنای آیات قرآن ... / ۵

تفسیر «فی ظلال القرآن» اثر سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی از ادیبان برجسته و از اندیشمندان و اصلاح‌گران بزرگ معاصر در مصر است. این تفسیر از بهترین تفاسیر ادبی-اجتماعی است که به هدف احیای نهضت اصیل اسلامی به رشته تحریر درآمد. «فی ظلال القرآن» در میان تفسیرهای قرآن کریم دارای رویکردی سیاسی، اجتماعی، حرکتی و تربیتی است که مؤلف آن به مفسری مجدد با سیاق تفسیری نوینی شهرت دارد و یکی از پیشوایان و اندیشوران اصیل حرکت اسلامی معاصر است. مکتب فکری او به عنوان «قطبی‌گری» شناخته می‌شود. وی به دلیل بازنگری در تأثیر برخی از مفاهیم اسلامی بر تحولات اجتماعی و سیاسی نظیر جهاد، میان پژوهشگران اسلام سیاسی، مشهور است.

۳،۱ مفهوم شناسی واژه کار و اشتغال

واژه «کار» در لغت؛ به معنای تلاش، کوشش و فعالیت است (معین، ۱۳۷۱: ۲۸۰/۱) و «اشتغال» از ریشه شغل در باب افتعال؛ مشغول شدن، به کاری پرداختن، به کاری سرگرم بودن (دهخدا، ۱۳۳۷: ۲۶۳۲/۷)، چیزی که انسان را سرگرم و مشغول خود کند (راغب اصفهانی، ۱۳۸۵: ۲۳۶) معنا می‌دهد. در اصطلاح اقتصادی نیز، کار یکی از عوامل تولید است. دانشمندان علم اقتصاد در تعریف کار گفته‌اند: نیروی کار، یکی از عوامل عمده تولید و متشکل است از اعمال قوه فکری یا دستی که در برابر آن مزد، حقوق، معاش، یا حق الزحمه کار و کسب گرفته می‌شود (فرهنگ، ۱۳۷۱: ۱۱۴۵/۱).

بر اساس این تعریف، فعالیتی که در برابر آن مزد پرداخت نشود، کار محسوب نمی‌شود. به همین سبب کاری که زنان در خانه انجام می‌دهند، فعالیت اقتصادی به شمار نمی‌آید و زنان خانه‌دار در جمعیت غیر فعال و بیکار قرار می‌گیرند (قرباغیان، ۱۳۷۶: ۲). در فرهنگ نامه‌های اقتصادی، «اشتغال» به معنای مشغول بودن به کار تعریف شده است (مریدی، نوروزی، ۱۳۷۳: ۵۲). بنابراین تعریف، هرگونه فعالیتی که انسان، اعم از زن یا مرد، در خانه یا بیرون از خانه انجام دهد اشتغال است. اما برخی از اقتصاددانان قید مزد و پاداش را نیز بر تعریف اشتغال افزوده و بیان داشته‌اند:

بررسی تطبیقی اشتغال زنان بر مبنای آیات قرآن ... / ۶

اشتغال مشغول بودن به کاری است که در برابر آن پاداش و مزد وجود داشته باشد. بر اساس این تعریف، مفهوم «اشتغال» محدودتر شده و فقط شامل کارها و فعالیت‌هایی می‌شود که در قبال آن دستمزدی پرداخت شود، اما تلاش‌هایی که مجانی صورت می‌گیرند مثل؛ برخی از کارهای زنان در خانه، مشمول اشتغال نخواهند بود. مقصود از اشتغال زنان در اصطلاح رایج، همین معناست. بعضی مشغولیت به کار را در دو معنا به کار برده‌اند: الف- حضور در ساختار اجتماعی آنهم به دلیل بهره‌وری اقتصادی. ب- سهم بودن در تکامل جامعه.

به طور کلی، شغل به معنای آنست که هر انسانی در اجتماع به‌کاری مشغول باشد که از آن کار برای جامعه محصول و فایده‌ای به‌وجود آید (مکنون، بی تا: ۲۰). بنابراین طبق معنای دوم، خانه‌داری، همسر داری و تربیت فرزند شغل محسوب می‌شود و چه بسا از شریف‌ترین شغل‌ها باشد، زیرا زنانی که به این شغل‌ها می‌پردازند اگر طبق اصول و ضوابط برگرفته از آیین اسلام و توأم با علم باشد، در تکامل جامعه سهم بسزائی خواهند داشت و محصولی که از این شغل به‌دست می‌آید، پر فایده‌ترین و سودآورترین محصولات است. اما در نگاه عرفی هر کاری که در برابر آن مزد دریافت شود شغل گفته می‌شود که بیشتر بحث‌ها راجع به اشتغال زنان حول این محور است. در اسلام بیکاری زن و مرد ظلم بزرگی محسوب می‌شود (غفاری، ۱۳۶۲: ۸۹).

کار زنان در دو عرصه مطرح است: یکی در عرصه خصوصی و فعالیت‌هایی که زنان برای سامان دهی منزل در داخل خانه انجام می‌دهند مانند: پخت و پز، نظافت و رسیدگی به همسر و فرزندان که از دیرباز به عنوان کار خانه شناخته شده است، دوم کار در عرصه عمومی و اجتماعی که از آن به کار بیرون تعبیر می‌شود. بحث ما بیشتر در ارتباط با نوع دوم از کار است، زیرا آنچه امروزه به عنوان یک مسأله مطرح است و موافقان و مخالفان در ارتباط با آن، در کتاب‌ها و مقالات به بحث و بررسی می‌پردازند، اشتغال زنان به کار و فعالیت در مراکز تولیدی، خدماتی و اداری در بیرون از خانه است.

۴,۱ توغیب به اشتغال و رشد اقتصادی در قرآن کریم

بررسی تطبیقی اشتغال زنان بر مبنای آیات قرآن ... / ۷

مسأله کار و اشتغال محور زندگی انسانهاست، به طوری که کار، کلید گشایش استعدادهای بشر بوده و توانائی‌های درونی و بالقوه انسان در سایه تلاش و کار به ظهور می‌رسد. در نگاه دینی و اسلامی کار و اشتغال به عنوان عملی دنیوی و اخروی است که از اجر و پاداش بسیار برخوردار است. تلاش کننده برای اداره زندگی خانوادگی، جهادگر در راه خدا محسوب می‌شود و بیکاری از منظر دین به شدت منفور و مذموم حق تعالی است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى وَأَنْ سَعْيُهُ سَوْفَ يُرَى ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى. وَأَنْ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى» (النجم/۳۹-۴۲) (و (نمی‌دانید) این که برای آدمی جز آن چه به سعی (عمل) خود انجام داده (ثواب و جزایی) نخواهد بود و البته انسان پاداش عمل خود را به زودی خواهد دید، سپس در (آخرت) به پاداش کاملتری خواهد رسید). از نظر قرآن، اقتصاد مایه قوام اجتماع و ستون اصلی آن را تشکیل می‌دهد: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ قِيَامًا» (النساء/۵). به طوری که فقدان آن به معنای آن است که مردم توان ایستادن نخواهند داشت و دچار فقر و فروپاشی اجتماعی می‌شوند: «وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ» (البقره/۶۱).

حضرت یوسف(ع) مدیریت و نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی اجتماع مصر را به عهده گرفت (یوسف/۴۵-۵۵) و تصحیح روابط اقتصادی جامعه مدین هم‌پای مسائل اعتقادی و عبادی در صدر آموزه‌های حضرت شعیب(ع) قرار داشت (الاعراف/۸۵؛ هود/۸۷-۸۴؛ الشعراء/۱۸۳-۱۷۷).

واژه‌های «فعل»، «عمل» و «کسب» در قرآن به معنای کار و تلاش هستند، اما معمولاً به معنای اقتصادی آن، که خصوصاً فعالیتی است که برای تحصیل درآمد انجام می‌گیرد و در برابر آن مزدی پرداخت می‌شود، نیست. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا» (البقره/۲۷۵) (خدا بیع را -خرید و فروش را- که نوعی کسب و تلاش اقتصادی است، حلال کرد و ربا را حرام کرد) و در آیه دیگر می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ربا را چند برابر نخورید» (آل عمران/۱۳۰). آیات فراوان دیگر با تعبیرهای گوناگون، به مبارزه با ربا برخاسته و ربا خواری را،

بررسی تطبیقی اشتغال زنان بر مبنای آیات قرآن ... / ۸

که راهی برای تحصیل درآمد و افزایش سرمایه است، ناروا دانسته است. آیات مزبور، به طور مطلق، جنس بیع را حلال، و جنس ربا را حرام کرده است. از سوی دیگر، آیه یا روایتی که بر دخالت جنسیت در این حکم دلالت داشته باشد، نداریم. بنابراین، حکمی که برای بیع و ربا، بیان شده از احکام مشترک میان زن و مرد است، چنان که مرد مجاز است با دیگران قرارداد خرید و فروش امضا کند و از این طریق، تجارت کند و سودی ببرد، برای زن نیز چنین است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲/ ۷۳).

خداوند در سوره (القصص/ ۷۳) می‌فرماید: «و از رحمت اوست که برای شما شب و روز را قرار داد تا هم در آن آرامش داشته باشید و هم برای بهره‌گیری از فضل خدا تلاش کنید و شاید شکر نعمت او را به‌جا آورید» و نیز می‌فرماید: «و هنگامی که نماز پایان گرفت در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بطلبید و خدا را بسیار یاد کنید، شاید رستگار شوید» (الجمعه/ ۱۰). مفسران «ابتغاء فضل» را به تجارت و کسب و تلاش اقتصادی تفسیر کرده‌اند. از سوی دیگر، آیات یاد شده از جهت مخاطب اطلاق دارند بر این معنا که مخاطب در فعل «تبتغوا» و «ابتغوا» خصوص صنف مردان نیست، بلکه نظیر سایر خطاباتی که در قرآن شریف آمده است، میان زن و مرد مشترکند، مگر در جایی دلیلی بر اختصاص آن به مردان داشته باشیم. همچنین از حیث نوع اشتغال نیز آیه در مقام بیان شغل خاصی نبوده است. از این رو، می‌توان گفت: با توجه به ترغیب و تشویق عمومی که از سوی خدا برای طلب فضل صادر شده است، هرگونه تلاش اقتصادی که مشروع و مصداق «تِجَارَةٌ عَنِ تَرَاضٍ» باشد، برای زن و مرد مجاز است. بدین روی، بر اساس این آیه، اصل اولی، جواز انواع تصرفات زن، در طبیعت، معاملات و تجارت است، مگر آنچه به دلیل قطعی خارج شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴/ ۴۹۹).

در آیه، امر به «کلوا» اختصاص به صنف خاصی ندارد، استفاده از نعمت‌های الهی و تصرف در زمین و بهره‌گرفتن از آب‌ها، درختان، جنگل‌ها و حیوانات برای همه انسان‌هاست. نه در این آیه، نه در آیات دیگر و نه در روایات، دلیلی بر تخصیص آیه به مردان نیست. بلی، لفظ «کلوا» جمع مذکر است و روش قرآن چنین است که معمولاً احکام مشترک مرد و زن را با خطاب مذکر بیان

بررسی تطبیقی اشتغال زنان بر مبنای آیات قرآن ... / ۹

می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۷۳/۲). تنها در یک مورد در آیه «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَ» (النساء/۳۲) (مردان را نصیبی است از آنچه به دست می‌آورند و زنان را نصیبی) به معنای تلاش مادی و کسب درآمد استعمال شده است که می‌توان برای اثبات مشروعیت فعالیت اقتصادی زنان به آن استناد کرد، زیرا اگر کار کردن برای آنان مجاز نبود، آیه شریفه آنان را مالک دست رنج خود قرار نمی‌داد.

۵,۱ نمونه‌هایی از اشتغال زنان در قرآن

در مبانی اسلامی اصل استقلال مالی زن و اختیار اداره و تصرف او در اموال خود، از اصول مسلم فقه شیعه است که بر ادله ذیل استوار شده است: با توجه به حمایت اسلام از حقوق انسانی، زناشویی، اجتماعی و مالی زنان و برخورداری آنان از مهریه و سهم الارث و اموالی که پس انداز می‌کنند و بر طبق نظر اسلام که اموال را باعث قیام جامعه می‌داند: «وَلَا تَوْتُوا السَّفَهَاءَ اَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللهُ لَكُمْ قِيَامًا» (النساء/۵)، زنان هم برای توسعه اقتصادی و کمک به آسایش خود و خانواده می‌توانند اموال خود را در تجارت و خرید و فروش به‌کار گیرند و از بهره‌آن استفاده کنند. آیات و روایات این حق را مورد تأیید قرار می‌دهد.

بدینسان دین اسلام به هنگام پیدایش، برخی امور را که در جاهلیت بدان عمل می‌شد، پذیرفت و بعضی را اصلاح کرده، برخی دیگر را از بین برد و قوانین جدیدی را برای سامان دهی زندگی مسلمانان در اجتماع نو ظهور امت اسلام، وضع کرد. اسلام در مورد اشتغال زن، وضع زمان جاهلیت را پذیرفت، یعنی بی‌آن‌که قانون صریحی بنهد، به زن اجازه داد همچنان کار کند. بدین رو، زنان فراوانی در صدر اسلام در زمان پیامبر گرامی (ص) و ائمه اطهار (ع) به فعالیت‌های اقتصادی اشتغال داشتند که نه تنها آنان را از کار و تلاش نهی نمی‌کردند، بلکه در برخی موارد، لحن سخن یا طرز برخورد ایشان با زنان شاغل به گونه‌ای بود که تشویق به ادامه کار نیز از آن استفاده می‌شود (جلالی کندری، ۱۳۷۳: ۱۲۲).

۲. شغل دایه و شیردهی

در قرآن به آیاتی بر می‌خوریم که به نوعی به اشتغالات زنان در این زمینه اشاره دارد. از جمله: خداوند در سوره بقره آیه ۲۳۳، به مردان در مورد شیر دادن زنان به فرزندانشان توصیه فرمود: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلِينَ كَامِلِينَ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنَمِّمَ الرِّضَاعَةَ» (مادران، فرزندان خود را دو سال تمام، شیر می‌دهند. (این) برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند. و بر آن کس که فرزند برای او متولد شده (پدر) لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته (در مدت شیر دادن بپردازد) هیچ کس موظف به بیش از مقدار توانایی خود نیست! نه مادر حق ضرر زدن به کودک را دارد، نه پدر. بر وارث او نیز لازم است این کار را انجام دهد (هزینه مادر را در دوران شیرخوارگی تأمین نماید) و اگر آن دو، با رضایت یکدیگر و مشورت، بخواهند کودک را (زودتر) از شیر باز گیرند، گناهی بر آنها نیست و اگر خواستید دایه‌ای برای فرزندان خود بگیرید، گناهی بر شما نیست؛ به شرط این که حق گذشته مادر را به طور شایسته بپردازید و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و بدانید خدا، به آنچه انجام می‌دهید، بیناست».

همچنین زنان مطلقه در مدت عده دارای نفقه می‌باشند، اگر حامله بودند تا زمان وضع حمل دارای نفقه هستند و مرد هم در حد توانایی خود باید به نفقه زن وسعت بدهد: «عَلَى مُوسِعٍ قَدْرَهُ وَ عَلَى مُقْتَرٍ قَدْرَهُ مَتَاعاً بِالْمَعْرُوفِ حَقّاً عَلَى الْمُحْسِنِينَ» (البقره/۲۳۶)؛ «لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَ مَنْ قُدْرَ عَلَيْهِ رِزْقِهِ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ الْإِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا» (الطلاق/۷) (آنان که امکانات وسیعی دارند، باید از امکانات وسیع خود انفاق کنند و آنها که تنگدست هستند، از آنچه خدا به آنها داده انفاق کنند؛ خداوند هیچ کس را جز به مقدار توانایی که به او داده تکلیف نمی‌کند، خداوند به زودی بعد از سختی‌ها آسانی قرار می‌دهد).

خداوند در قرآن کریم به مردان امر می‌کند و می‌فرماید: «فَأْتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ» (الطلاق/۶) (پس (زنان) اگر برای فرزند شما شیر دادند، مزد آنها را بدهید). به مردانی که زن خود را طلاق داده‌اند و

بررسی تطبیقی اشتغال زنان بر مبنای آیات قرآن ... / ۱۱

کودک شیرخوار دارند و مادر کودک حاضر است به آن شیر دهد، امر کرده که اگر زنان به فرزندان شما شیر دادند، مزد آنان را بدهید. سپس در دنباله آیه می‌فرماید: «... وَإِنْ تَعَاسَرْتُمْ فَسْتَزْعُ لَهُ أُخْرَى» (و اگر به توافق نرسیدید، زن دیگری شیر دادن او را به عهده می‌گیرد). مفسران در معنای آیه گفته‌اند: اگر زن و مرد در شیر دادن به کودک با هم به توافق نرسیدند، به این صورت که یا زن حاضر نیست به کودک شیر بدهد و یا اجرتی بیش از معمول می‌خواهد، در این صورت، بر پدر کودک لازم است برای تغذیه کودک، دایه بگیرد تا طفل آسیب نبیند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۳۱/۱۹).

گفتنی است دایگی، شغلی برای زنان بوده برای شیر دادن به کودکانی که مادرانشان شیر نداشتند یا از دنیا رفته بودند. در زمان‌های گذشته، میان زنان معمول بوده، چنان که حلیمه سعدیه و چند تن از زنان دیگر، برای همین کار به مکه آمدند. دایه‌ها در برابر خدمتی که ارائه می‌کردند و به کودک شیر می‌دادند، مزد دریافت می‌کردند. قرآن نه تنها از این کار نهی نکرده و مزدی را که در مقابل این عمل گرفته می‌شود؛ «اکل مال به باطل» ندانسته، بلکه خود به پدر بچه‌ها امر کرده است: در صورتی که برای شیر دادن با مادر کودک به توافق نرسیدید، دایه بگیرید. بنابراین، دایگی نیز می‌تواند به عنوان یکی از اشتغالاتی باشد که ویژه زنان است و قرآن به آن اشاره کرده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۳۱/۱۹).

همچنین در آیه: «وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ» (القصص/۱۲) «ما همه زنان شیرده را از پیش بر او حرام کردیم (تا تنها به آغوش مادر بازگردد) و خواهرش (که بی‌تابی مأموران را برای پیدا کردن دایه مشاهده کرد)، گفت: «آیا شما را به خانواده‌ای راهنمایی کنم که می‌توانند این نوزاد را برای شما کفالت کنند و خیرخواه او باشند؟!». کلمه «مَرَضِع» جمع «مُرَضِع»، یعنی زنان شیرده و دایه. پس رضاع و سپردن نوزاد به دایه برای شیردادن، سابقه‌ای تاریخی و طولانی دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵/۱۶).

دیدگاه سید قطب و آیه‌الله جوادی در مورد آیه رضاع: بقره/۲۳۳ و طلاق/۶

سید قطب در مورد این آیه در تفسیر «فی ظلال القرآن» بیان می‌دارد: شیردادن برای زن واجب نیست، زنی را که طلاق دادید و حامله است باید تا وضع حمل نفقه بدهید و بعد از آن هم اگر خواست فرزندش را شیر بدهد باید تا دو سال نفقه او و فرزندان را بدهید، اگر مادر مزدی بالاتر خواست و با هم توافق نکردید، باید فوراً برای بچه دایه بگیرید تا بچه گرسنه نماند. کسی که دارای وسعت روزی است نباید امساک کند و کسی که روزی‌اش کم است همان را انفاق کند و بزودی خداوند برایش گشایش می‌کند. هر کس به اندازه توانایی‌اش به مادر و فرزند رسیدگی کند (سید قطب، ۱۴۲۵: ۳۶۰۳/۶).

آیه‌الله جوادی در تفسیر «تسنیم» در مورد آیه «فَأَتَوْهُنَّ أَجُورَهُنَّ» (الطلاق/۶) بیان می‌دارد: به مردانی که زن خود را طلاق داده‌اند و کودک شیرخوار دارند و مادر کودک نیز حاضر است به آن شیر دهد، امر کرده که «اگر زنان به فرزندان شما شیر دادند، مزد آنان را بدهید»، سپس در دنباله آیه می‌فرماید: «وَإِنْ تَعَاسَرْتُمْ فَسْتَضِعْ لَهُ أُخْرَى» (و اگر به توافق نرسیدید، زن دیگری شیر دادن او را به عهده می‌گیرد). مفسران در معنای آیه گفته‌اند: اگر زن و مرد در شیر دادن به کودک با هم به توافق نرسیدند، به این صورت که یا زن حاضر نیست به کودک شیر بدهد و یا اجرتی بیش از معمول می‌خواهد، در این صورت، بر پدر کودک لازم است برای تغذیه کودک، دایه بگیرد تا طفل آسیب نبیند. ایشان در مورد آیه (بقره/۲۳۳) بیان می‌دارد: «فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا» (بر پدر و مادر حرجی نیست که کودک را از شیر باز بگیرند یا به دایه دیگر بسپارند) ولی اگر خواستند به دایه دیگر بسپارند باید اجرت المسمی یا اجرت المثل آن دایه دیگر را بپردازند: «وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ» (اگر خواستید برای فرزندانان مُرَضِعِهِ فراهم کنید که غیر از مادرشان باشد) پس «فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ» (آنچه را که تعهد کردید در کمال عرف عقل و شرع آن را بپردازید) «وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (در رعایت حدود و احکام الهی باتقوا باشید و بدانید که هرچه می‌کنید خدا می‌بیند) (سایت الاسراء).

۳. آیه اکتساب (نساء/۳۴)

زنان با استقلال مالی ای که دارند، می‌توانند به هر کاری که در توانشان باشد و با وظیفه همسری و مادریشان تضاد نداشته باشد، پردازند. خداوند در سوره نساء می‌فرماید: «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَ سَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (النساء/۳۴) (و آنچه را که خداوند سبب برتری بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده آرزو نکنید. برای مردان از آنچه به دست آورده‌اند بهره‌ای است و برای زنان نیز از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای می‌باشد و (به جای آرزو و حسادت) از فضل خداوند بخواهید، که خداوند به هر چیزی داناست). این آیه نشان از اهمیت و ارزشمندی استقلال اقتصادی زن و مرد در آیین اسلام دارد. البته باید توجه داشت که اولویت و ارزشمندی حضور زنان در امور خانواده است و اشتغال به طور کلی در مرتبه دوم قرار می‌گیرد که پس از انجام مسوولیت‌های خانوادگی مطلوبیت می‌یابد. زنان با استقلال مالی ای که دارند، می‌توانند به هر کاری که در توانشان باشد و با وظیفه همسری و مادریشان تضاد نداشته باشد، پردازند.

دیدگاه سید قطب و آیه الله جوادی آملی در مورد آیه اکتساب (نساء/۳۴)

سید قطب در تفسیر فی ظلال در مورد این آیه می‌نویسد: نصّ قرآنی همگانی است و نهی می‌کند از این که آرزوی چیزی را بکنیم که خداوند با اعطای آن برخی از مؤمنان را بر برخی دیگر برتری داده است. این برتری هر چیزی که باشد. برتری در شغل و مقام، در استعدادها و موهبت‌ها، در اموال و امتعه و... و بالأخره برتری در همه چیزهایی که بهره هرکسی از آن‌ها در این جهان از آن‌ها مختلف و متنوع است... بلکه مردمان باید از خدا بخواهند و درخواستشان مستقیماً از خدا باشد. نصّ قرآنی در این رهنمون همگانی، عام است، ولیکن در اینجا با توجه به سیاق کلام و برخی از روایاتی که درباره سبب نزول آن آمده است، این معنی عام تا اندازه‌ای خاص می‌گردد و بیانگر تفاوت ویژه‌ای خواهد بود که این نصّ قرآنی نازل گشته تا بدان پردازد. این تفاوت، اختلاف

بررسی تطبیقی اشتغال زنان بر مبنای آیات قرآن ... / ۱۴

سهم ارث مردان با سهم زنان است. این هم از سیاق عام آیه بعد ها پیدا و مشاهده خواهد شد. اما این جنبه با وجود اهمیت بسزائی که در تنظیم علاقه موجود در میان دو نیمه نفس بشری و اقامه چنین علاقه‌ای بر رضا و تکامل دارد و گذشته از توضیح وظائف گوناگون و بیان امور مهم، مایه بخش این رضا در خانواده‌ها و جامعه اسلامی به‌طور کلی می‌گردد. آری این جنبه با وجود چنین اهمیتی که دارد، خصوصیت سبب، عمومیت نصّ را نفی نمی‌کند (سید قطب، ۱۴۲۵: ۶۴۳/۲).

آیه‌الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم در مورد این آیه می‌نویسد: در قرآن کریم تعلیم و تربیت در هم تنیده و مسائل علمی آن با نکات تربیتی و اخلاقی همراه است. در این آیه نیز پیش و پس از حکم فقهی حقوقی، هشدار تربیتی آمده است. این آیه راه تربیتی مبتلا نشدن به محرّمات پیش گفته، را بیان کرده و می‌فرماید: مبدا در دل خود تمنّی آنچه را در دست دیگران است، بی‌ورانید که این تمنّی زمینه ساز حرام‌خواری، قتل نفس محترم و... است. بر این اساس، عنصر اصلی این آیه درمان عدوان و ظلم راجع به مال و جان دیگران است که در آیات پیشین طرح شد. انسان‌ها از لحاظ امکانات، استعدادها، هوش، ذوق، سلیقه، هنرها، توانمندی‌ها و قدرت‌های فکری و بدنی در زمینه تحصیل امور مادی و معنوی با هم تفاوت دارند. هم مردها با هم، هم زن‌ها با یکدیگر و هم زن و مرد با هم. تفاوت‌هایی که از این رهگذر نصیب جامعه می‌شود حکیمانه است، گرچه استعداد برتر بر اثر کوشش نافع‌تر، رفاه و نعمت بیشتری را به سوی خود می‌کشاند. در نظام تکوین، اصل متفاوت بودن افراد به لحاظ استعدادها و دستاوردها، نیاز نظام احسن و آفرینش است و تنوع و اختلاف استعدادها برای تأمین نیازهای گوناگون بشری است؛ ولی قوت و ضعف افراد به علّت‌های زمینه ساز و مادی مربوط و درمان پذیر است. این‌گونه تفاوت‌های موضعی، از علل مادی ناشی‌اند و می‌توان آن‌ها را ترمیم کرد. مردان و زنان، هر یک در امور مادی و معنوی استقلال دارند و محصول کارشان از آن خود آن‌هاست. تصریح به این مطلب (استقلال هر یک از زنان و مردان در بهره‌گیری از کسب مادی خود) در دو جمله جداگانه، نشانه اهمیت استقلال اقتصادی آنان و مخالفت با پندار جاهلیت است که زنان را محروم می‌دانستند. مردان و زنان در امور مادی و معنوی، هر یک استقلال دارند و محصول کارشان از آن خود آن‌هاست. دلیل دیگر

بررسی تطبیقی اشتغال زنان بر مبنای آیات قرآن ... / ۱۵

جامع بودن معنای «اكتساب» در این آیه، این است که آیات پیشین درباره مسائل نکاح، ارث و مانند آن بود که احکامی غیر اختیاری داشتند و برای گسسته نشدن این ارتباط و رعایت سیاق، مناسب‌تر آن است که «اكتساب» به معنای جامع باشد؛ نه خصوص کارهای اختیاری. پس هر که هر چه به دست آورد؛ خواه بر اثر عوامل اختیاری و ظاهری، یا عوامل غیراختیاری و مستور، مال اوست و دیگری نباید آن را تمنی کند، بلکه باید بکوشد به مشابه آن دست یابد و چون این شدنی است، در صدر آیه مورد بحث از این تمنی باطل نهی شده است. زن و مرد در امور انسانی تفاوت ندارند، ولی در امور اجرایی تفاوتی عقل‌پسند دارند (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۸/۴۸۸-۵۱۹).

۴. آیه آزادی انتخاب شغل (بقره/۲۳۴)

خداوند حق اشتغال زنان را به رسمیت می‌شناسد و در قرآن کریم می‌فرماید: «فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (البقره/۲۳۴) (باکی بر شما نیست، در آن اموری که زنان در رابطه با خود و از روی معروف انجام می‌دهند). این آیه در مورد زنانی است که طلاق گرفته یا همسران خود را از دست داده‌اند و یا زنانی که به علت ناتوانی همسرانشان برای امرار معاش، به کار درآمد زا اشتغال دارند. البته خصوص آیه، در مورد ازدواج مجدد زنان بعد از طی شدن عده طلاق می‌باشد. در آیه دیگری نیز، برای زنانی که همسرانشان را از دست دادند پس از طی عده وفات می‌فرماید: «وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (البقره/۲۴۰)، اطلاق و عموم این دو آیه، شامل اتخاذ شغل نیز می‌شود.

دیدگاه سید قطب و آیه‌الله جوادی آملی در مورد آیه بقره/۲۳۴

سید قطب در تفسیر فی ظلال در مورد این آیه بیان می‌دارد: اگر زنان بخواهند در بخشی از زندگی خود که فارغ از انجام حقوق دیگران است، به فعالیت‌های اقتصادی و یا اجتماعی بپردازند، مانعی ندارد، به شرطی که طبق فرموده قرآن بر اساس معروف یعنی اصول عقلانی و انسانی و عرف جامعه باشد. برای مثال؛ شغلی که منافاتی با حیثیت خانوادگی و وظایف زندگی مشترک

بررسی تطبیقی اشتغال زنان بر مبنای آیات قرآن ... / ۱۶

نداشته باشد. همچنین در مورد این آیه بیان می‌دارد: در جاهلیت عرب، هر گاه مردی می‌مرد، زنش نمی‌توانست ازدواج کند، تعصبات خانواده میّت اجازه این کار را به او نمی‌دادند، این آیه آن‌ها را نهی می‌کند و به زنان شوهر مرده اجازه کار بر طبق معروف شرع و عقل می‌دهد. در جاهلیت عرب، هم چنان‌که در سایر جاهلیت‌های آن زمان رایج بود، زنان از حقوق انسانی بر خوردار نبودند و به منزلت آنان توجهی نمی‌گردید و مانند حیوانات از آنان بهره می‌گرفتند و برای غرایز خود با اتهاماتی آن‌ها را طلاق می‌دادند. اسلام آمد و تمام این مسائل را بر طرف کرد و زنان را در مکان طبیعی خودشان در کانون خانواده، که خداوند در ابتداء سوره نساء بیان کرده است، قرار داد. و در مورد آیه ۲۴۰ بقره، بیان می‌دارد: دادن اختیار به زنان شوهر مرده، بعد از زمان عدّه است، برخلاف جاهلیت، اقربای میّت نباید مانع کار آنان شوند (سید قطب، ۱۴۲۵: ۱/۲۵۶). آیه‌الله جوادی آملی در مورد آیه: «وَلَا جُنَاحَ عَلَیْكُمْ فِی مَا فَعَلْتُمْ فِی انْفُسِكُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ اللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (البقره/۲۳۴) بیان می‌دارد: «فلا جناح» کنایه از دادن اختیار به زنان در کارهایی است که انجام می‌دهند، اگر خواستند بعد از عدّه طلاق، ازدواج کنند و همچنین نمی‌توانند او را از این کار باز دارند. عادت جاهلیت نباید مانع اختیار آن‌ها در مورد کارشان گردد. این حق مشروع آنهاست و در اسلام کسی نمی‌تواند از عمل معروف نهی کند (سایت الاسراء).

۵. آیه معاشرت نیکو (نساء/۱۹)

آیه دیگری که خداوند در قرآن بیان داشته است، در برخورد مردان با زنان و توصیه به آن‌ها برای معاشرت بالمعروف با آنهاست: «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (النساء/ آیه ۱۹) (و با زنان با معروف معاشرت کنید، پس اگر کراهت دارید از ایشان، چه بسا خداوند در چیزی که کراهت دارید خیر زیادی قرار داده است).

دیدگاه سید قطب و آیه‌الله جوادی آملی در مورد آیه (نساء/۱۹)

بررسی تطبیقی اشتغال زنان بر مبنای آیات قرآن ... / ۱۷

سیدقطب در مورد این آیه بیان می‌دارد: اگر در مورد زنانان به ناراحتی برخورد کردید، آن را با صبر، تحمّل و امید به اصلاح و توجّه به خداوند بر طرف کنید و اگر بعد از آن نتوانستید به زندگی مشترک ادامه بدهید و زن دیگری را به جای آن قرار دادید، حقوق کامل زن اوّل را بدهید، اگر چه مهرش زیاد باشد و نباید با اتهام زدن از دادن حقوق او خودداری کنید (سیدقطب، ۱۴۲۵: ۶۰۶/۱).

آیه‌الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم بیان می‌دارد: آیه دیگری که خداوند در قرآن بیان داشته است در برخورد مردان با زنان و توصیه به آن‌ها برای معاشرت به معروف با آنهاست: «و عاشروهنّ بالمعروف فإنّ کرهتُموهنّ فعسی أن تکرهوا شیئاً و یجعل الله فیہ خیراً کثیراً» (النساء/۱۹) (پس با زنان با معروف معاشرت کنید و اگر کراهت دارید از ایشان، چه بسا خداوند در چیزی که کراهت دارید خیر زیادی قرار داده است). با استفاده از این آیه، می‌گویید: کسانی که از حضور زنان در جامعه کراهت دارند، چه بسا این حضور دارای خیر فراوانی برای جامعه باشد. زن می‌تواند در صحنه‌های اجتماعی، درمانی، اقتصادی و فرهنگی حضور داشته باشد. زنان خردمند و پاکدامن همانند مردان دانشور و پارسا منزلت عظیم خویش را حفظ می‌کنند و امت اسلامی نیز در پرتو هدایت و حیانی، حریم امن آنان را پاس می‌دارد. آیه «عاشروهنّ بالمعروف» اصلی قرآنی برای زندگی اجتماعی زنان است. معروف هر عملی است که افکار عمومی آن را شناخته و به آن مأنوس است. همان‌طوری که جامعه به مرد نیاز دارد به زن هم نیاز دارد (جوادی آملی، ۳۷۱). ایشان همچنین معتقد است که: کسب علم برای زنان در همه زمینه‌ها امکان‌پذیر است و طبق دستورات دینی در بعضی علوم که واجب عینی می‌باشد، در فراگیری آن‌ها مردان نمی‌توانند برای زنان مخالفت ایجاد کنند. علوم دیگر، هم در مواردی برای رفع نیاز جامعه بانوان واجب عینی می‌شود و زنان را از مراجعه به مردان در بسیاری موارد بی‌نیاز می‌گرداند و بعضی از علوم که واجب کفایی‌اند و اگر در این علوم دیگران به حدّ کفایت اقدام به فراگیری نکنند، فراگیری این علوم هم واجب عینی می‌شود و مرد نمی‌تواند مانع همسرش شود (همان). علوم‌ی که واجب

بررسی تطبیقی اشتغال زنان بر مبنای آیات قرآن ... / ۱۸

کفایی‌اند را هم زنان می‌توانند در شرط ضمن عقد، حق کسب آن را برای خود محفوظ دارند. در صورتی که کسب علم و دانش نیاز به خروج از منزل داشته باشد، باید به اذن شوهر انجام شود تا منافاتی با حقوق شوهر نداشته باشد زیرا وظیفه اولی زن پرداختن به تدبیر منزل، تربیت اولاد و رسیدگی به نیازهای شوهر است اگر منافات با حقوق شوهر داشته باشد، بدون اذن او جایز نیست و زنان نباید وظایف اصلی خود را رها کرده و به دنبال امور دیگری که در درجه دوم اهمیت است بروند (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۳۷۱).

۶. آیه قوامیت (نساء/۳۴)

خداوند در این آیه مردان را قیام کنندگان به امور زنان قرار داده است و می‌فرماید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ...» (النساء/۳۴) (مردان بر زنان سرپرستند، بدان خاطر که خداوند بعضی را بر بعضی فضیلت داده است و نیز بدان خاطر که از اموال خود خرج می‌کنند. پس زنان صالح آنانی هستند که فرمانبردار بوده و اسرار را نگاه می‌دارند، چرا که خداوند به حفظ آن دستور داده است). باید توجه داشت به این که قرآن کریم زنان را از کار کردن برای تأمین مخارج خود معاف کرده، زیرا وظایف زنان در کانون خانواده بسیار حساس و مسوولیت تربیت فرزندان ایجاب می‌کند که او دغدغه درآمد را نداشته باشد. نفقه او و فرزندانش را به عهده شوهر قرار داد.

دیدگاه سید قطب و آیه الله جوادی در مورد آیه نساء/۳۴

سید قطب در مورد این آیه می‌نویسد: مردان بر زنان سرپرستند و در جامعه کوچک خانواده، حق رهبری دارند و صیانت و رعایت زنان بر عهده ایشان است، بدان خاطر که خداوند برای نظام اجتماع، مردان را بر زنان در برخی از صفات برتری‌های بخشیده است و بعضی را بر بعضی فضیلت داده است و نیز بدان خاطر که معمولاً مردان رنج می‌کشند و پول بدست می‌آورند و از اموال خود برای خانواده خرج می‌کنند. برتری مرد، ناشی از آمادگی او برای

بررسی تطبیقی اشتغال زنان بر مبنای آیات قرآن ... / ۱۹

سرپرستی و داشتن لیاقت و شهامت چنین کاری است. زیرا چرخه بنیاد خانواده بدون سرپرستی نمی‌گردد. زن برای کار سرپرستی آمادگی ندارد و در انجام آن یاری نمی‌گردد. ستم خواهد بود اگر کار سرپرستی بدو واگذار و او بدان وادار شود و علاوه بر تکالیف سنگین دیگری که بر عهده دارد، بار سرپرستی هم سربار بارهای او شود. (سید قطب، ۱۴۲۵: ۶۴۸/۲).

سید قطب، اشتغال زن در خارج از منزل را طبق این آیه جایز ندانسته و فطرتاً وظیفه زن را بارداری، شیردهی، تربیت فرزندان و پرداختن به کارهای خانه می‌داند. با توجه به این مسأله که فعالیت و حضور زنان در اجتماع قطعاً میزان حضور آنان را در خانه کاهش می‌دهد؛ بنابراین، این مفسر دیدگاه مثبتی نسبت به فعالیت اجتماعی و اقتصادی زنان ندارد و مسوولیت آنان را رسیدگی به امور منزل می‌داند. بنابراین حضور زنان در شرایطی که جاهلیت آن کم از جاهلیت عرب ندارد، اگر باعث فساد و بی بند و باری شود و فعالیت آنان، به کانون خانواده خللی وارد کند قطعاً این حرکت، مخالف نص صریح آیات قرآن بوده و اینجاست که خداوند متعال با آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»، مردان را بر زنان قیّم دانسته و حکم می‌کند که مرد باید در جایگاه فردی که توانایی بالاتر و قوه تعقل برتری دارد، این مسأله را کنترل کند و از ورود زن به مکان‌هایی که مفسده دارد، منع نماید و زن هم نباید مسوولیت‌هایی را در اجتماع بپذیرد که باعث جابه‌جایی نقش‌ها در خانواده شده و آن را دچار بحران کند (سید قطب، ۱۴۲۵: ۶۴۸/۲).

آیه‌الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم در مورد این آیه می‌نویسد: مردان بر زنان قیّمیت و سرپرستی دارند، به خاطر این که خدا بعضی را بر بعضی برتری داده و به خاطر این که مردان از مال خود نفقه زنان و مهریه آنان را می‌دهند، پس زنان صالح و شایسته، باید فرمانبر شوهران در کام‌گیری، تمتعات جنسی، حافظ ناموس، منافع و آبروی آنان در غیابشان باشند، همان‌طور که خدا منافع آنان را حفظ فرموده است. این آیه به پاره‌ای از وظایف زن و شوهر اشاره می‌کند. البته مورد آیه خصوص خانواده است، لیکن به سبب عمومیت تعلیل آن، رهبری جامعه را نیز در بر گرفته و بر اساس آن، بر اثر برتری تکوینی و طبیعی، مرد باید والی جامعه باشد. مفسر امامیه، در بیان تفاوت‌های زن و مرد معتقد است که؛ مردان فطرتاً قوه تعقل بالاتری نسبت به زنان دارند و

بررسی تطبیقی اشتغال زنان بر مبنای آیات قرآن ... / ۲۰

توانایی آنان برای انجام امور دشوار بیشتر است. از طرفی زنان هم نسبت به مردان دارای احساسات و عواطف بالاتری هستند، به علاوه تعهد مردان در برابر زنان و فرزندان نسبت به پرداختن هزینه های زندگی، پرداخت مهر و تأمین زندگی آبرومندانه همسر و فرزند، این حق را به آنان می دهد که وظیفه سرپرستی را عهده دار شوند. بنابراین با توجه به تفاوتی که به طور کلی در دو جنس مرد و زن وجود دارد، قطعاً مردان در انجام اموری (مانند حکومت و قضاوت) مناسب تر هستند، چرا که این دو امر به قدرت تعقل و توانایی جسمی بالاتری نیازمند است. این آیه برای بیان احکام زن و شوهر است نه برای بیان احکام مطلق مرد و زن. اطاعت زن از شوهر در خصوص زناشویی واجب است نه به طور مطلق. در شوون زندگی نیز معیار وجوب اطاعت برای زن، هماهنگی فرمان شوهر با دین خدا و تنها در مواردی است که دستور شوهر با دین و اوامر الهی موافق باشد وگرنه نباید پیروی کند. قیومیت مرد بر زنش به این نیست که سلب آزادی از اراده زن و تصرفاتش در آنچه مالک آن است بکند؛ همچنین معنای قیومیت مرد این نیست که استقلال زن، در حفظ حقوق فردی و اجتماعی او و دفاع از منافعش را سلب کند، پس زن همچنان استقلال و آزادی خود را دارد. می تواند حقوق فردی و اجتماعی خود را حفظ و از آن دفاع نماید و هم می تواند برای رسیدن به این هدف هایش، به مقدماتی که او را به آنها می رساند متوسل شود، پس معنای قیومیت مرد این است که مرد به خاطر این که هزینه زندگی زن را از مال خودش می پردازد، تا از او استمتاع ببرد، پس بر او نیز لازم است در تمامی آنچه مربوط به استمتاع و هم خوابگی مرد می شود، او را اطاعت کند، ناموس او را در غیاب او حفظ کند و نیز در اموالی که شوهرش در طرف ازدواج و اشتراک در زندگی خانوادگی به دست او سپرده و او را مسلط بر آن ساخته خیانت نکند. پس معنای آیه مورد بحث این می شود که زنان مسلمان سزاوار است صفت صلاح را پیشه خود بسازند، که اگر چنین کنند قهراً قانتات خواهند بود، یعنی همواره و دائماً شوهران خود را در هر چه که از ایشان بخواهند اطاعت خواهند کرد، البته هر چیزی که با تمتع شوهران ارتباط داشته باشد و واجب است بر آنان که جانب خود را در

بررسی تطبیقی اشتغال زنان بر مبنای آیات قرآن ... / ۲۱

همه چیزهایی که متعلق حق شوهران است در غیاب شوهران حفظ کنند(جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۵۷۵/۱۸-۵۴۴).

سر برتافتن همسر از تمکین نسبت به وظایف متقابل همسری را «نشوز» گویند، مرد با خوف نشوز و نمایان شدن نشانه‌های ناسازگاری، برای متنبه شدن زن، به ترتیب باید سه مرحله برنامه‌های اصلاحی انجام دهد. شوهر از باب نهی از منکر همسرش را تنبیه می‌کند و معنای این سخن، قیومیت حکم خدا بر زن است نه قیّم بودن مرد بر زن، یعنی نهی از منکر واجب است و چون در اینجا برای اجرای آن کسی سزاوارتر از شوهر عادل نیست، خود او باید بازدارندگی زن از گناه را عهده‌دار شده و با نهی از منکر، زن را از ادامه معصیت بازداشته و به وظایف شرعی خود وا دارد. ایشان بیان می‌دارند که: حضور در جامعه و تصدّی بعضی مناصب اجتماعی و مدیریت بخشی از حیات فرهنگی یک ملت که در آن فقط دختران و بانوان حضور دارند و باید از مسائل ضروری آگاه گردند و به بالندگی علمی بار یابند و مانند آن، نه تنها روا بلکه لازم است زیرا شوون یاد شده، همانند جنگ آوری و کارزار، صحنه پیکار نیست تا مخصوص مردان باشد. همان‌طور که در سنت رسول خدا(ص) نیز مشاهده می‌شود؛ ایشان به هیچ زنی منصب قضا نداده و زنان را برای جنگیدن دعوت نکرده‌اند؛ اما حضور و شرکت زنان در جهاد برای انجام اموری مثل خدمت و جراحی و امثال آن بلامانع بوده است؛ همچنین حضور اجتماعی آنان در صحنه تعلیم و تعلّم، کسب، پرستاری بیماران، مداوای آنان و امثال این گونه امور در سنت ایشان نه تنها منع نشده است، بلکه سیرت نبویّه بسیاری از این کارها را امضا کرده است؛ اما باید توجه داشت که دامنه استقلال و آزادی زنان تا آنجایی گسترده است که به حق شوهر مزاحمت نداشته باشد(جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۵۷۵/۱۸-۵۴۴).

۷.سوره احزاب آیات ۳۴-۳۳

بررسی تطبیقی اشتغال زنان بر مبنای آیات قرآن ... / ۲۲

خداوند می‌فرماید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (احزاب/۳۳)

(و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار نکنید، نماز برپا دارید، زکات بدهید و خدا و فرستاده‌اش را فرمان برید. خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان (پیامبر) بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند و آنچه را که از آیات خدا [سخنان] حکمت‌آمیز] در خانه‌های شما خوانده می‌شود، یاد کنید. در حقیقت خدا همواره دقیق و آگاه است) (احزاب/ ۳۴-۳۳) در این آیه خداوند به زنان پیغمبر (ص) امر می‌کند که در خانه‌های خود قرار بگیرند و مانند زنان جاهلی تبرج نکنند. به‌طور کلی، مراد از ماندن آن‌ها در خانه این است که در کارهای سیاسی دخالت نکنند. نه این‌که ابداً از خانه خارج نشوند و یا به خانه کسان خود سر نزنند و حتی به حج و امثال آن نروند، زیرا کسی این را نگفته است. این هم ظاهراً بدان علت است که آلت دست نشوند و جامعه را به هم نزنند (قرشی، ۳۵۳/۸). یعنی به نقش آفرینی سیاسی و اجتماعی نپردازند و به سبک دوره جاهلیت مانند همسران حُکام آن دوره به فکر اعمال نفوذ نباشند، بلکه به قوانین اسلامی پایبند بوده و مطیع خدا و رسول او باشند (همامی، ۱۵۱). بعضی از مفسرین شیعه ذیل این آیه بیان کرده‌اند که این حکم صرفاً مربوط به زنان پیغمبر (ص) نیست، بلکه حکمی عمومی برای همه زنان است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۷/۲۹۰).

دیدگاه سید قطب و آیه‌الله جوادی آملی در مورد آیه ۳۳ احزاب

سید قطب با استناد به آیه ۳۳ احزاب بیان می‌دارد: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار نکنید). خروج زنان از خانه برای اشتغال را جز در موارد ضرورت نفی می‌کند و وظیفه زن را رفع نیاز همسر و تربیت فرزند می‌داند. بنابراین اشتغال زن در بیرون از خانه مشروط

بررسی تطبیقی اشتغال زنان بر مبنای آیات قرآن ... / ۲۳

به اجازه شوهر است. اندیشه ایشان مبتنی است بر این که؛ فطرت می‌طلبد که زن به امور خانه، بارداری، شیردهی، نگهداری و تربیت فرزند بپردازد و ادله دیگر این که اشتغال زن با روح و مقصد شریعت سازگار نیست و با نصوص و اصول کلی شریعت در تعارض است. براساس آیه (۳۴) سوره نساء «الرجال قوامون على النساء» و آیه (۲۲۸) سوره بقره «لَلرَّجَالِ عَلَى النِّسَاءِ دَرَجَةٌ» مسوولیت هزینه زندگی به عهده مرد است و او مکلف به تأمین خرجی زندگی زن است. اساس این تکلیف اینست که زن مکلف به اشتغال نشود، زیرا او باید توان خود را صرف اموری نماید که خداوند در فطرت و سرشت او قرار داده است و اگر قرار باشد زن کاری را انجام دهد که مرد بدان مکلف است این مستلزم تغییر قانون خداوند است.

نظر سید قطب، در رابطه حق کار و کسب زن در اسلام این است که؛ این حق در صورت نیاز برای زن قرار داده شده است، اما حق خانه داری را بر آن ترجیح می‌دهد، زیرا اسلام زندگی را بالاتر از صرف خوردن و آشامیدن می‌داند. به زندگی از ابعاد گوناگون می‌نگرد و برای افراد جامعه وظایف متفاوت و در عین حال مکمل و هماهنگ قائل است (پزشگی، ۱۳۸۷: ۹۵-۹۴). سید قطب تأکید می‌کند؛ زمانی که زن از وظیفه انسانی خود که تربیت نسل جدید است، دست بکشد و خود یا جامعه‌اش ترجیح دهد که مهماندار هتل، کشتی یا هواپیما باشد، چنین چیزی نشانه پس ماندگی تمدن یا همان جاهلیت است. نگرش سید قطب دربار مسائل زنان مسلمان از جهت اختلاط جنسی و عریانی است که در نتیجه پیروی زندگی اروپایی در جوامع اسلامی پدید آمده است (همان، ۴۵).

آیه‌الله جوادی آملی در مورد این آیات بیان می‌دارد که؛ آیه ۳۳ احزاب، برابری زنان پیغمبر با سایر زنان را نفی می‌کند، و می‌فرماید: (شما با سایر زنان برابر نیستید اگر تقوی به خرج دهید) و مقام آن‌ها را به همان شرطی که گفته شد بالا می‌برد، آن‌گاه از پاره‌ای از کارها نهی و به پاره‌ای از کارها امر می‌کند و فرمود: (پس در سخن خضوع نکنید (و چون سایر زنان آهنگ صدا را فریبنده نسازید) و در خانه‌های خود بنشینید و کرشمه و ناز مکنید ...). با این که این امور بین زنان پیغمبر و سایر زنان مشترک است، از اینجا می‌فهمیم که آوردن جمله (شما مثل سایر زنان نیستید) برای

بررسی تطبیقی اشتغال زنان بر مبنای آیات قرآن ... / ۲۴

تأکید است و تکلیف آنان مؤکد و مسوولیتشان سنگین تر است: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ»، بعد از آنکه علو مقام و رفعت منزلت همسران رسول خدا (ص) را به خاطر انتسابشان به آن جناب بیان نموده، این علو مقامشان را مشروط به تقوی نموده و فرموده که فضیلت آنان به خاطر اتصالشان به رسول خدا (ص) نیست، بلکه به خاطر تقوی است، اینک در این جمله ایشان را از خضوع در کلام نهی می‌کند. خضوع در کلام به معنای این است که در برابر مردان آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف کنند، تا دل او را دچار ریه و خیال‌های شیطانی نموده و در نتیجه آن مردی که در دل بیمار است به طمع بیفتد، منظور از بیماری دل، نداشتن نیروی ایمان است، آن نیرویی (ایمان) که آدمی را از میل به سوی شهوات باز می‌دارد. سپس می‌فرماید: «وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا»؛ یعنی سخن معمول و مستقیم بگویید، سخنی که شرع و عرف اسلامی (نه هر عرفی) آن را پسندیده دارد و آن سخنی است که تنها مدلول خود را برساند، بدون کرشمه و ناز تا شنونده علاوه بر درک مدلول آن دچار ریه هم نشود.

قرآن کریم، برای جلوگیری از هر گونه فساد اجتماعی می‌فرماید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى ... وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» کلمه (قَرْنَ) امر از ماده (قَرَّ) است، که به معنای پا بر جا شدن است و کنایه از ثابت ماندن در خانه‌ها می‌باشد و مراد این باشد که ای زنان پیغمبر! از خانه‌های خود بیرون نیایید. کلمه «تَبَرَّجْنَ» به معنای ظاهر شدن در برابر مردم است، همان طور که بُرج قلعه برای همه هویدا است و کلمه «جَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» به معنای جاهلیت قبل از بعثت است (سایت الاسراء).

بنابراین، اگر به آرای مفسر امامیه ذیل این آیات بنگریم، متوجه خواهیم شد که ایشان حضور اجتماعی زنان را منع نکرده است؛ البته به شرطی که این حضور بدون تَبَرُّج و در کمال وقار باشد و به حق شوهر و فرزندان خللی وارد نکند.

۸. بررسی و تحلیل نظر مفسران فریقین

بررسی تطبیقی اشتغال زنان بر مبنای آیات قرآن ... / ۲۵

با بررسی نظر مفسران در مورد حضور اقتصادی و اشتغال زنان، هر دو دیدگاه اعطاء حقوق مالی و استقلال زن بر اموال و انواع بهره‌وری مشروع او را از قوانین مترقی اسلام می‌دانند که نه قبل از اسلام و نه بعد از آن سابقه داشته است. همچنین در زمینه مالکیت و استقلال زن و فعالیتش در کسب و کار، قائلند که زن نیز مثل مرد، مالک اموالی است که از طریق کسب و ارث به دست می‌آورد. با این تفاوت که، بخشی از اموالی که از طریق نفقه یا حق حضانت یا کار در منزل بدون قصد تبرع بدست می‌آورد، حق اختصاصی اوست. همچنین بر طبق آیه ۳۲ سوره نساء معتقدند که: این آیه نشان از اهمیت و ارزشمندی حق استقلال اقتصادی زن و مرد در آیین اسلام دارد. البته باید توجه داشت که اولویت و ارزشمندی حضور زنان در امور خانواده است و اشتغال به طور کلی در مرتبه دوم قرار می‌گیرد که پس از انجام مسوولیت‌های خانوادگی مطلوبیت می‌یابد. هر دو دیدگاه، وظیفه اصلی زن را به عنوان کانون مهر و عاطفه، ایجاد آرامش و آسایش اهل خانه، تربیت فرزندان و رفع نیازهای عاطفی و جنسیتی مرد، می‌دانند. مفسر اهل سنت، معتقد است که جز مواردی که ضرورت اقتضا می‌کند، زنان نباید نقش اصلی خود را در خانه کم رنگ کنند و هرگونه فعالیتی در محیط خانه و بیرون از آن، که موجب تضییع حقوق شوهر می‌شود را جایز نمی‌دانند. اختلاف دو دیدگاه در تملک زن نسبت به نفقه است؛ در جایی که کارشان به اختلاف کشیده و موجب نشوز شود. طبق آیه ۳۴ سوره نساء: مردان بر زنان سرپرستند، بدان خاطر که خداوند بعضی را بر بعضی فضیلت داده است و نیز بدان خاطر که از اموال خود خرج می‌کنند. سیدقطب با فعالیت اقتصادی زنان در خارج از منزل مخالف است. و معتقد است که خداوند نفقه آنان را بر مردان واجب کرده و کار اصلی زن را همسری و تربیت فرزندان می‌داند و معتقد است که با این وجود چه نیازی است که زن خانه را ترک کرده و در شغل‌هایی مثل: مهمانداری هتل یا هواپیما پیردازد و خارج شدن زنان و مشغولیت آنان را در این شغل‌ها جاهلیت مدرن می‌داند (پزشگی، ۱۳۸۷: ۴۵)

آیه‌الله جوادی آملی در مورد این آیه بیان می‌دارد: اطاعت زن از شوهر در خصوص زناشویی واجب است نه به طور مطلق. در شوون زندگی نیز معیار و جوب اطاعت برای زن، هماهنگی

بررسی تطبیقی اشتغال زنان بر مبنای آیات قرآن ... / ۲۶

فرمان شوهر با دین خدا و تنها در مواردی است که دستور شوهر با دین و اوامر الهی موافق باشد وگرنه نباید پیروی کند (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۸/۵۴۴-۵۷۵).

سید قطب در مورد آیه ۳۳ سوره احزاب، ممنوعیت حضور در فعالیت‌های اقتصادی زنان در جامعه را برداشت کرده است. به خصوص که معتقد است زنان به خاطر حق نفقه آنها که به عهده مردان است، نیاز به بیرون رفتن از خانه و کار کردن ندارند، مگر در موارد ضرورت.

در حالی که آیه‌الله جوادی آملی در مورد این آیه، منع حضور زنان پیامبر در فتنه‌های آینده و حضور زنان برای تحریک جنگ‌ها در زمان جاهلیت را مطرح می‌کند. زنان پیامبر، به خاطر شخصیت حقوقی که دارند باید در برخورد با مردان و صحبت کردن با آنها حریم بیشتری را رعایت کنند و زنان دیگر هم شامل این نهی الهی می‌شوند. در موارد دیگر دیدگاه‌های مشترکی در مورد کیفیت حضور زنان در اجتماع دارند.

بدینسان در دیدگاه سید قطب مفسر اهل سنت، در برداشت از آیات مورد استناد، تناقض دیده می‌شود. از طرفی خارج شدن از خانه را با استناد به آیه ۳۳ احزاب جایز نمی‌داند، در حالی که با حق اشتغال که اسلام به زنان داده موافق است، ولی آنها را از کار درآمد زا به خاطر داشتن حق نفقه منع می‌کند. اجرای تمامی امر و نهی همسر در محدوده شرع را ملاک برخورداری از نفقه می‌داند و معتقد است که آفرینش، زن را برای آرامش همسر و نگهداری فرزندان خلق کرده است و اشتغال زنان را بر خلاف قانون طبیعت می‌داند. ولی در استناد به آیه ۲۳۴ بقره، زنانی را که خارج از تعهدات همسری و فرزندی هستند، اشتغال آنان را در صورتی که مطابق با عرف جامعه باشد، جایز می‌داند. در حالی که آیه‌الله جوادی آملی مفسر شیعه، با استناد به همین آیه، خارج شدن زنان را از خانه با رعایت حقوق همسر، فرزندان و ضوابط شرعی، جایز و در شغل‌های مرتبط با زنان به علت عدم مراجعه به نامحرم واجب می‌داند.

نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی اشتغال زنان بر مبنای آیات قرآن ... / ۲۷

در مقاله حاضر با روش تطبیقی دیدگاه‌های تفسیری سید قطب و آیه‌الله جوادی آملی مورد بررسی قرار گرفت و به تفاوت‌ها و شباهت‌های آن‌ها اشاره شد و در نهایت اثبات شد که نظر آیه‌الله جوادی آملی از ادله متقن‌تری بر طبق قرآن و سنت نبوی برخوردار است. باید توجه داشت که اشتغال حق زن است و تکلیف زن نمی‌باشد. بر اساس متون قطعی شریعت، منعی در اشتغال زن وجود ندارد، بلکه عملکرد زنان مسلمان در عصر تنزیل گواهی محکم بر این است که اشتغال زن مباح و گاهی در موارد عدم رجوع به نامحرم تکلیف است. قول راجح اینست که بهترین و مهمترین نقش زنان در جامعه، نقش همسری و مادری است و تشویق زنان به اشتغال بدون قید و شرط و محو کردن مشاغل کلان و طاقت فرسا، نه تنها خدمتی به زنان نیست بلکه خیانت و ظلمی بزرگ به آنان و جامعه بشری است:

۱- به طور کلی سید قطب با استناد به آیات «احزاب/۳۳ و نساء/۳۴»، با فعالیت اجتماعی و اقتصادی زنان موافق نیست؛ در حالی که آیت‌الله جوادی با استناد به همین آیات، فعالیت اجتماعی زنان را مشروط به این‌که در چارچوب قوانین الهی باشد، منع نمی‌کند.

۲- در آیه «احزاب/۳۲»، به زنان پیامبر(ص) از نظر جایگاه حقوقیشان، برای حضور اجتماعی آنان، توصیه‌هایی شده است که بسیاری از مفسران، آن را شامل سایر زنان هم می‌دانند. مقصود از این دستور آن است که زن به منظور خود نمایی از خانه بیرون نشود و این وظیفه به خصوص در مورد زنان پیغمبر اکرم (ص) بعنوان رهبر جامعه اسلامی، سنگین‌تر و مؤکدتر است، و آیت‌الله جوادی آنرا هشدار از وقایع آینده و جنگ جمل می‌داند.

۳- از آیه «نساء/۳۴»، نیز این حکم به دست می‌آید: در صورتی که، فعالیت زنان به حقوق شوهر خللی وارد نکند و قیومیت وی را زیر سوال نبرد، بلامانع است. البته این دو حکم لازم و ملزوم همدیگرند و زنان باید برای ورود به اجتماع، هر دو را در کنار هم دارا باشند. بنابراین، این آیات به زیبایی، از یک طرف حضور اجتماعی زنان را تأیید و از طرف دیگر افراط در مسائل مربوط به آنان را منع می‌کند و در نهایت تعادل، کیفیت حضور زنان در اجتماع را روشن می‌سازد و در

بررسی تطبیقی اشتغال زنان بر مبنای آیات قرآن ... / ۲۸

نتیجه دیدگاه آیه‌الله جوادی آملی بر دیدگاه سید قطب بر طبق شواهد قرآنی و تاریخی و سنت نبوی رجحان دارد.

۴- زنان اگر چه در تأمین هزینه‌های اقتصادی خانواده مسوولیتی ندارند، ولی با این حال اشتغال آنان در بیرون خانه جایز است. تذکر این نکته نیز ضروری است که بر اساس آموزه‌های دینی، خانواده در اسلام اصلی بنیادین بوده و حفظ و حراست از آن لازم است. بنابر این حق اشتغال زن، نباید سبب از هم پاشیدن خانواده یا کنار گذاشتن وظیفه پرورش نسل سالم شود و در مواقع تزاخم بین کار و ازدواج، کار و رسیدگی به وظایف همسری و پرورش کودک و عدم امکان جمع بین آنها، خانواده مهم‌تر است.

۵- اسلام به بانوان حق اشتغال داده، اما نه به قیمت مسخ شدن خصوصیات زنانه وی، یعنی کار زن در محدوده مشخص و مشروط است. زنان حق دارند، در صورت نیاز به اشتغال بپردازند و کیفیت آن را شرع و عرف معین می‌کند. تاریخ بیانگر آن است که؛ در زمان رسول خدا (ص)، زنان زیادی به فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی می‌پرداختند و نه تنها پیامبر (ص) آن‌ها را منع نمی‌کرد، بلکه در مواردی آن‌ها را نیز راهنمایی می‌نمود. حضرت خدیجه (س)، همسر پیامبر (ص) که از زنان بزرگوار و برگزیده است، خود تاجری ثروتمند بود که به تجارت می‌پرداخت و پیامبر (ص) نیز برای مدتی از جانب ایشان به تجارت مشغول بود.

۶- جامعه اسلامی باید به دور از غوغای برابری زن و مرد و دفاع از چالش‌های فمینیستی، با رعایت ارزش‌های دینی و انسانی، اصالت و مصلحت خانواده، توجه نمودن به کرامت و نقش مؤثر و سازنده زن، حفظ عفت در حوزه روابط زن و مرد، اهتمام به حقوق شوهر، توجه به نیاز کودکان به آسایش و عطوفت مادر، مسیر درست را به زنان جامعه ما نشان دهد و زمینه را برای حضور زنان در مشاغل مورد نیاز در حوزه مسوولیت‌های اجتماعی فراهم نماید و گر نه همگامی زنان با مردان در صحنه فعالیت‌های اقتصادی، تزلزل و فروپاشی بنیان خانواده، گسترش فساد در جامعه را به دنبال خواهد داشت.

منابع

قرآن کریم

۱. پزشکی، محمد (۱۳۸۷): «صورت‌بندی مطالعات زنان در جهان اسلام»، قم: نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸): «تفسیر تسنیم»، تحقیق: حسین اشرفی و روح الله رزقی، مرکز اسراء.
۳. _____ (۱۳۷۵): «زن در آئینه جلال و جمال الهی»، قم: مرکز نشر اسراء.
۴. جلالی کندری، سهیلا (۱۳۷۳): «زن مسلمان پرده نشینی یا حضور اجتماعی»، تهران: دانشگاه الزهرا.
۵. چگینی، مجید (۱۳۹۷): «عوامل رشد اقتصادی از منظر قرآن»، روزنامه کیهان، معارف، شماره ۲۱۸۹۱.
۶. خوش‌خبر، محمود (۱۳۹۰): «اشتغال زنان از دیدگاه فقیهان اهل سنت»، مجله فروغ وحدت، سال هفتم، شماره ۲۵.
۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۷): «لغت نامه»، زیر نظر محمد معین، تهران: بی‌نا.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۵): «ترجمه مفردات الفاظ القرآن»، ترجمه مصطفی رحیمی نیا، بی‌جا: بی‌نا.
۹. زارع، پیروشف (۱۳۹۴): «اشتغال زنان از دیدگاه اسلام»، شورای سیاست‌گذاری حوزه‌های علمیه خواران.
۱۰. طباطبائی، محمدحسین (۱۳۷۴): «ترجمه تفسیر المیزان»، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی.
۱۱. غفاری، محمد علی (۱۳۶۲): «آیات النساء»، تهران: نشر آفتاب.
۱۲. فرهنگ، منوچهر (۱۳۷۱): «فرهنگ بزرگ اقتصادی»، تهران: البرز.
۱۳. قره باغیان، مرتضی (۱۳۷۶): «فرهنگ اقتصادی و بازرگانی (جلد ۲)»، بی‌جا: رسا.
۱۴. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۷): «تفسیر احسن الاحدیث»، تهران: بنیاد بعثت.
۱۵. قطب، سید ابراهیم شاذلی (۱۴۲۵): «فی ظلال القرآن»، قاهره: دارالشروق.
۱۶. کیانمهر، محمد ولی (۱۳۷۸): «تأثیر اشتغال زنان بر خانواده»، مجله کار و جامعه، ش ۲۳.
۱۷. معین، محمد (۱۳۷۱): «فرهنگ فارسی»، تهران: امیرکبیر.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴): «تفسیر نمونه»، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. _____ (۱۳۸۸): «ترجمه قرآن کریم»، قم: اسوه.
۲۰. مریدی، سیاوش و نوروزی، علیرضا (۱۳۷۳): «فرهنگ اقتصادی»، تهران: پیشبرد نگاه.

بررسی تطبیقی اشتغال زنان بر مبنای آیات قرآن ... / ۳۰

۲۱. مکنون، ثریا (۱۳۷۱): «وضعیت اشتغال زنان»، ماهنامه یاس، پیش شماره ۹.
۲۲. مکنون، ثریا؛ صانع پور، مریم (بی تا): «بررسی تاریخی منزلت زن در دیدگاه اسلام»، تهران: مرکز.
۲۳. همای، عباس (۱۳۷۵): «چهره زیبای قرآن»، اصفهان: انتشارات بصائر.
۲۴. یوسفی، سحر (۱۳۹۴): «فعالیت اجتماعی زنان در آراء مفسرین با استناد به آیات ۳۲ الاحزاب و ۳۴ النساء»، دو فصلنامه دانشگاه قم، سال اول، شماره دوّم.
۲۵. سایت الاسرا .

